



#### رسانه و سینما

تو بخوان نغمه ناخوانده من . . . . .

۱۶



#### ادبیات و کتاب

آهن‌ها و احساس . . . . .

۱۸

بازخوانی یک کارنامه . . . . .

۱۹



#### حکمت و اندیشه

بورژوازی و ورزش . . . . .

۲۰

گزارشی از یک سخنرانی . . . . .

۲۱



#### تاریخ مشروطه

پاساژ طلافروشی به‌جای میراث تاریخی

۲۲



#### نگاه اول

## زن ومرد واعترض

ناصر صفاریان

در تاریخ سینمای ایران نمایش آثار مسعود کیمیایی و محسن مخملباف همواره جنجال‌برانگیز و درآمیخته به انواع حاشیه‌ها بوده است. مخالفان و موافقان چنان رودرویی هم صف می‌کشند و قداطم می‌کنند که در حیرت می‌مانی. زمان نمایش فیلم‌های این دو فیلمساز برجسته، اغلب نقدها به سمت و سوی کارگردان سوق پیدا می‌کند و نوع نگاه او.

. . . و حالا باید نام تهمنیه میلانی را هم کنار این دو نام قرار داد. با این تفاوت که این رویارویی میان فیلمساز و منتقد به عرصه‌ای زنانه / مردانه بدل شده و اغلب به دلیل حرف‌های میلانی در دفاع از حقوق زنان.

در این میان آنچه فراموش می‌شود این است که اگر حرف خانم میلانی در برخی آثارش غیرمنطقی و یک‌سویه است حرف‌های مخالفان در بیشتر مخالفت‌ها غیرمنطقی‌تر» و یک‌سویه‌تر». مثلاً این بار به انتخاب تدوینگر خانم هم معترض شده‌اند و آن را هم به حساب موضع ضدمرد گذاشته‌اند و یا اقتدر غیرمنصفانه پیش رفته‌اند که افزایش بچه‌های طلاق را هم به پای مبارزه‌های امثال میلانی نوشته‌اند. متأسفانه چند فیلم آخر خانم میلانی آثار ضعیفی بوده و مثلاً فیلم قبلی ایشان «زن زیادی» بیش از هر چیز کاریکاتوری جلوه می‌کند در تمسخر حرف‌ها و آثار پیشین خود فیلمساز. وقتی فیلمی این قدر ضعیف است که پرداختن به روایت ساختاری و محتوای آن خودبه‌خود دلیل آشکاری می‌شود برای خط کشیدن بر آن و وقتی می‌توان از خود فیلم نشانه‌های ضعف را بیرون کشید، چه نیازی هست به دستاویز قرار دادن حقوق زنان و جمله به دیدگاه‌های خانم میلانی، آن هم به این شیوه غیرمعقول و دور از انصاف؟

فراموش نکنیم اگر یک نفر بد حرف می‌زند، معنی‌اش این نیست که لزوماً حرف بدی هم می‌زند. ضمن اینکه تهمنیه میلانی به شهادت کارنامه‌اش فیلمساز بدی نیست. هم فیلم خوب ساخته و هم فیلم بد، ولی جایگاهش به عنوان کارگردانی صاحب فکر تثبیت شده است. این را هم فراموش نکنیم که همیشه از مسائلی صحبت کرده که هست و غیرقابل انکار.

بی‌عدالتی و نابرابری در حقوق زن و مرد و وجود مردسالاری در این مرز پرگهر چیزی نیست که بتوان به انکارش نشست. با مخالفت ما مسئله پاک نمی‌شود. پس برای پاک کردن صورت مسئله تلاش نکنیم.

سعیده خدابخش

## گفت‌وگو با سعید کنگرانی بازیگر ازدواج به سبک ایرانی

# بازیگر یا مدل تبلیغاتی؟

آداب ایرانی را برای حافظه تاریخی ایرانیان مهم دیدم.

■ شما در خلق نقش و کاراکتر تا چه حد آزاد بودید؟

پس از صحبت‌های حرفه‌ای که بین من و حسن فتحی انجام گرفت و با شناختی که از یکدیگر پیدا کردیم ایشان به شناخت من اعتماد کردند و دست مرا باز گذاشتند، به غیر از شور و صلاح‌هایی که در گوشه‌هایی از کار احتیاج بود، خلق اصلی کاراکتر را به عهده من واگذار کردند و برای خلافتیت و فی‌البداهه‌گری آزادی عمل داشتم.

■ بعد از دوری چندین ساله از سینمای ایران نگران حضور مجدد با چه‌وای جافتاده نبودید؟

ابداً، هیچ‌گاه نگران ردیای تجربه بر چهره‌ام نبوده و نیستم و شما هم همین توصیه را دارم که هرگز از خطوط پیشانی و موی سفید دل‌نگران نباشید، خط جبین و موی سفید یعنی بزرگ شده‌ای. (به قول شاعر: آن کس از درد بترسد که متاعی دارد عاشقان جمع نکرند و پریشانی نیست.)

■ در ایران فیلمی با صدای همزمان کار نکرده بودید، صدابرداری همزمان فیلم چطور؟ نگران‌تان نمی‌کرد؟

با اینکه این فیلم نخستین تجربه سینمایی من در ایران بود که صدابرداری همزمان را با صدابرداران ایرانی تجربه می‌کردم، (البته در آمریکا با صدای همزمان کار می‌کردیم) برای صدای نقش «دایی مهدی» صداسازی نکردم و از سبک آزاد در بازی این شخصیت سود بردم که مرز اغراق را می‌شکند و خلاصه

اینکه چون به مقوله تربیت صدا آشنا هستم مطمئن جلوی دوربین رفتم.

■ احساس‌تان بعد از این همه سال که دوباره جلوی دوربین قرار گرفتید چه بود، آیا واقعاً این احساس گفتنی است؟

اشاره درستی کردید، حقیقتاً آن احساس گفتنی نیست با این وصف این تجربه دوباره برای من جاذبه شناختی داشت یعنی فضایی را که مدت‌ها از آن دور بودم، پیشرفت‌هایی در صدابرداری و فیلمبرداری بسیار برایم جذاب بود و تازگی داشت، حسّی وفادارانه و غریب بود احساس می‌کردم مسئولیت‌م صدبرابر بیشتر شده چون پس از سال‌ها مردم که همیشه برایشان احترام قائل هستم و آنان را قاضی الفضات می‌دانم حس رسالتی را بر دوشم می‌نهاد و کار را سخت‌تر

می‌کرد و این شوری عجیب در من به وجود آورده بود و بار عاطفی – معنوی در خود احساس می‌کردم.

■ درباره مدل یا نوع بازی‌تان در فیلم «ازدواج...» توضیح دهید.

عرض کنم من تربیت شده‌متد هستم به خصوص سالیانی را که در آمریکا بودم در مدرسه «لی استراسبرگ» یا «سوزان استراسبرگ» یک دوره کامل متد را پشت سر گذاشتم تا ببینم متد در نسل جدید سینمای جهان به کجا رسیده. ولی مدلی که برای رل «مهدی تجربینی» استفاده کردم سبکی است که سابقاً نیز به صورت تئوری از آن بارور بودم که به سبک آزاد یا Freestyle معروف است.

■ ممکن است درباره Freestyle بیشتر توضیح دهید.

البته، در آمریکا در یکی دو دهه اخیر سبک جدیدی باب شده به نام سبک آزاد که یک مرحله پس از متد است چون متد افرادی مانند استانیسلاوسکی دیگر قدیمی و کهنه شده و تنها به عنوان مباحث تئوریک در دانشگاه‌ها توسط اساتیدی همچون آل‌پاچینو تدریس می‌شود و بازیگران سرشناسی مثل «شان پن»، «تام کروز» یا «ادوارد نورتن» این سبک را دنبال می‌کنند. در این مدل شما مدتی را با کاراکتر مورد نظر زندگی می‌کنید تا رفتارهایش بخشی از رفتارهای شما شود. البته همانگونه که اشاره کردم بنده نیز به لطف اساتیدی چون دکتر «غلامحسین سعدی»، داریوش مهرجویی، خسرو هریناش، ناصر تقوایی

. . . به جایی رسیدم که می‌توانم تجربه‌های جدیدی داشته باشم. به کلام دیگر بازیگر علاوه بر آنچه از دامن اساتید آموخته برای خلق تیپ و حتی کاراکتر باید به نقش نزدیک شود، نقش را زندگی کند و بیشتر با جهان‌بینی مطالعاتی خود رل را بیافریند. لازم است یادآوری کنم من خود در کار «ازدواج...» چون نتوانستم تیپ‌سازی کنم و «دایی مهدی» کلیشه‌شود یا الگویی را تداعی کند بیشتر به این سبک نزدیک شدم.

■ در خارج از کشور حرفه اصلی خود یعنی سینما را به طور حرفه‌ای دنبال می‌کردید؟

بله، غافل نبودم و به عضویت رسمی سندیکای بازیگران آمریکا درآمدم و با شبکه‌هایی مثل HBO و ABC هم به عنوان بازیگر کار کردم و هم به عنوان کارگردان در زمینه مستندسازی مطالعه و تجربه کردم و یکی از تجربیاتم به مستندی سینمایی انجامید درباره بی‌خانمانان که پس از تحقیقی چندماهه از کتابخانه‌ای تا میدانی به یک مجموعه هفت‌قسمتی منجر شد که در فستیوال‌هایی مثل ساندنس رایبرت ردفورود و دیگر فستیوال‌ها مورد تقدیر قرار گرفت.

■ نام کار چه بود؟

«رویایی آرام‌بخش» در L.A، البته تم کار درست خلاف این اسم است چون اساساً آرامشی در کار دیده نمی‌شود و عمداً و نمادگرایانه این را نام را انتخاب کردم.

سعید کنگرانی بازیگری را از هفت سالگی و آنچنان که خودش می‌گوید بی‌آنکه بداند حقیقت سینما چیست آغاز کرد. دایره مینا (داریوش مهرجویی)، سرایدار (خسرو هریناش) و... از جمله کارهای اوست. با بازی در سریال دایی‌جان ناپلئون (ناصر تقوایی) عضوی از اعضای خانواده‌ها شد. پس از انقلاب چهار فیلم بازی کرد. سه فیلم بین سال‌های ۵۸ تا ۶۰ و اولین کارش بعد از سال‌ها دوری از وطن فیلم «ازدواج به سبک ایرانی» است. حضور دوباره این بازیگر بهانه‌ای بود برای این گپ دوستانه. . .

■■■

■ از آخرین کارتان با پولی اولین کارتان بعد از ۲۵ سال دوری، آغاز کنیم. درباره فیلم «ازدواج به سبک ایرانی»، بفرمایید چگونه، این کار را پذیرفتید؟

من چون سینمای ایران را در سالیانی که در آمریکا درس می‌خواندم، مطالعه نیز می‌کردم، وقتی آدمم همان سال اول بود که علی معلم، تهیه‌کننده این فیلم تماس گرفتند و با حسن فتحی ملاقات کردم و حضور در این فیلم به من پیشنهاد شد. متن را که اقتباسی از فیلمی یونانی بود خواندم و به اعتبار شناخت از حسن فتحی کار را پذیرفتم.

■ گویا از قدیم با حسن فتحی آشنایی داشتید؟

در دوران دبیرستان ما هم محلی و هم مدرسه‌ای بودیم، منتها او در کنار درس در رشته والیبال مشهور بود و من هم به عنوان یک بازیگر.

■ «ازدواج به سبک ایرانی» چه جذابیتی برای شما به عنوان یک بازیگر حرفه‌ای داشت؟

مهمترین اصلی که در واقع من را بسیار جذب کرد، پنجه انداختن با یک کار طنز – کمدی بود که من تجربه آن را نداشتم، وقتی متوجه شدم کاراکتری را که باید بازی کنم، کاری است کمدی برایم بسیار جذاب بود و زمانی که رل دایی مهدی را خواندم حس کردم باید شخصیتی را خلق کنم که تا به حال انجام نداده‌ام و این برای انتخاب فیلم «ازدواج به سبک ایرانی» دلیل اصلی من بود.

■ سوژه هم به اندازه نقش برایتان مهم بود؟

ذات سوژه و حال و هوای بسیار صادقانه و توجه به آثار و



ال‌جی

ل‌جی الکترونیک



مانیتور اسپیدفام، طراحی و تکنولوژی برتر





FLATRON

مانیتور 17" L1740P



تراشه ارتقای کیفیت تصویر

فلترون اف انجین



پانل LCD با کیفیت A+

از ال جی، کره جنوبی



زمان پاسخ دهی بسیار سریع

پیکسل ها، ۸ میلی ثانیه



برنده جایزه بین المللی

2005

خدمات در محل شما در کمتر از دو ساعت



ساخت هادیران



فروش: ۰۲۱۸۷۸۱۵۰۰۰۰

خدمات: ۰۲۱۸۸۶۰۱۶۳۶

www.lge.ir

www.maadiran.com